

بی‌سازمانی اجتماعی و امکان شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی: محله هرنندی)

لیلی ارشد*

علی اصغر درویشی فرد**

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۲

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی بی‌سازمانی اجتماعی در محله هرنندی (دروازه غار سابق) در شهر تهران و تأثیر آن در بروز آسیب‌های اجتماعی می‌پردازد. روش تحقیق پژوهش حاضر به شکل کیفی و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق صورت پذیرفته است. رویکرد نظری تحقیق، بی‌سازمانی اجتماعی و مهم‌ترین دیدگاه‌های مرتبط با آن می‌باشد. براساس این نظریه‌ها، بی‌سازمانی اجتماعی زوال

* پژوهشگر آسیب‌های اجتماعی و مددکاری اجتماعی و مدیرعامل مرکز خانه خورشید (مرکز برای زنان معناد)

** کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی. (مکاتبه کننده)

شهری را به دنبال دارد و زمینه شکل‌گیری انواع آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ساختار محله هرنندی با وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی مواجه است که این وضعیت، سبب بروز انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، تن‌فروشی، خرید و فروش مواد، قمارهای دسته‌جمعی و ... می‌شود.

واژه‌های کلیدی: بی‌سازمانی اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، محله

هرنندی، زوال شهری

طرح مساله

گذار شهری سرچشمه گرفته از رشد شهرنشینی شتابان در ایران، همچون بسیاری از جوامع در حال توسعه در یک دوره نسبتاً کوتاه در مقایسه با جهان اول (که طی فرایندی ۲۰۰ ساله، گذار شهری را پشت سر گذاشته‌اند) رخ داده است. شهرنشینی و مهاجرت به شهرها از حدود ۲۰ درصد در نود سال پیش، اکنون به بیش از دو سوم (۷۰ درصد) و رقم مطلق جمعیت شهرنشین با بیش از ششصد درصد رشد نسبت به سال پایه ۱۳۳۵ شمسی از حدود ۶ میلیون نفر به بیش از ۴۰ میلیون نفر رسیده است و تعداد شهرها نیز از ۱۹۹ به ۱۱۱۵ شهر و سی و یک شهر مرکز استان بالغ شده است (نقدی، ۱۳۹۲: ۳۶).

کلاشهر تهران به عنوان پایتخت ایران و توان بالای آن در جذب سرمایه و نیروی انسانی و سایر منابع، بیش از سایر شهرهای ایران مهاجرپذیر بوده است و سالانه پذیرای هزاران نفر از اقصی نقاط کشور می‌باشد. در چند دهه گذشته تهران با رشد شهرنشینی زیادی مواجهه بوده است و از استان‌های گوناگون کشور با توجه به جذابیت‌های آن به عنوان مقصد از یک سو و دافع‌های مبدأ از سوی دیگر، جمعیت‌های ناهمگون بسیاری مهاجرت کرده‌اند و چه بسا امروزه نیز تداوم دارد. مهاجرت بخودی خود دارای آثار منفی نیست و چه بسا دارای پیامدهای مثبت نیز باشد. ولی با این حال مهاجرت‌هایی که در چند دهه گذشته به تهران صورت گرفته این شهر را با چالش‌های

زیادی مواجهه نموده است و از تهدیدات ضد سلامت شهری محسوب می‌شود. مشکلات مربوط به حمل و نقل، مسکن، اشتغال و ... علاوه بر این موارد، مهاجرت می‌تواند با شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز در برخی از محلات شهری، به مسائل و آسیب‌های شهری دامن بزند (پروین، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۳). دلایل گوناگونی برای مهاجرت نام برده می‌شود ولی در مجموع صاحب نظران توسعه و محققان جمعیت در خصوص دلایل و انگیزه‌های مهاجرت به دو دسته متغیرهای اقتصادی و اجتماعی اشاره می‌کنند. هرچند می‌توان از متغیرهای اقلیمی و طبیعی مانند زلزله و خشکسالی سخن گفت، می‌توان همه این عوامل را به متغیرهای اقتصادی و اجتماعی تقلیل داد (نقدی، ۱۳۹۲: ۹۴).

محله هرنندی یا دروازه غار سابق یکی از محلاتی در جنوب شهر تهران است که با وجود پیشینه تاریخی و حتی اقتصادی طولانی امروزه به یکی از محلات پرمساله و پراسیب شهر تهران تبدیل شده است. به گونه‌ای که از آن محله می‌توان به عنوان یک محله رها شده یا فرآپاشیده (رضایی راد، ۱۳۹۰) نام برد.

نام محله دروازه غار همواره با بروز انواعی از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی عجین شده است. وجود بافت‌های فرسوده و قدیمی، فضاهای تخریب شده و رهاشده، فضاهای بی‌دفاع شهری، خشونت‌های خیابانی، کودکان کار و خیابان، مصرف دسته جمعی مواد، خرید و فروش مواد، تن‌فروشی، قمارهای دسته جمعی و ... نشان از وضعیت نابسامان و رها شده این محله شهری دارد. به شکل نظری می‌توان گفت که ساختار بی‌سازمان این محله، خود زمینه ساز بروز انواع آسیب‌های اجتماعی است. نابسامانی حاکم بر این محله موجبات حضور مردمان مهاجر و عموماً آسیب دیده با تنوع‌های قومی، زبانی، فرهنگی و ... از سراسر ایران را فراهم آورده است. هرکدام از این گروه‌ها به دلایلی چون ارزان بودن مسکن، نزدیکی به بازار و کارگاه‌های تولیدی، وجود خانه‌های مجردی و نظارت اجتماعی و انتظامی محدود در مورد جرایم و نظایر آن در این محله ساکن شده‌اند. محلاتی که دارای وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی هستند

عمدتاً دارای سه ویژگی هستند، دارای جمعیت ناهمگونی هستند، از تحرک جمعیت بالا برخوردارند و نهایت این که بیشتر ساکنان آن از پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین برخوردارند. این شرایط مانع شکل‌گیری هنجارهای تأثیر گذار بر افراد می‌شود که نتیجه آن شکستن هنجارها و قواعد اجتماعی و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی در درون محله و حتی فراتر از آن است.

با ذکر این مقدمه سوال اصلی پژوهش به شرح زیر مطرح می‌باشد که :

بی‌سازمانی اجتماعی چه تأثیری در شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی در محله هرندی (دروازه غار) دارد؟

چارچوب نظری تحقیق

ریشه‌های تاریخی رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی در مطالعات جغرافیایی در ابتدای قرن هجدهم قرار دارد (والکر، ۱۹۹۴) و توسط مکتب شیکاگو وارد مطالعات شهری شد. این مفهوم توسط نظریه‌پردازان متعدد این مکتب، از جمله شاو و مک کی، تامس و زنانیکی و... در تبیین چرایی وجود عنصر جرم و انحرافات شهری در محلات شهری به کار رفت. اعضای مکتب شیکاگو این مفهوم را درباره رشد شهرهای بزرگ به کار بردند و چنین استدلال کردند که رفتار انسان را می‌توان برحسب محیط شهری او تبیین کرد. به ویژه آنان مدعی شدند که در اثر توسعه شهرهای بزرگ، محله‌های مشخصی به وجود می‌آیند که هر کدام شیوه‌های خاص زندگی خود را دارند (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۵۲). پیش‌فرض رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی این است که ساختار بی‌سازمان یک محله شهری می‌تواند تبیین‌کننده وجود انواع انحرافات و مسائل اجتماعی در این محلات باشد.

پارک به عنوان بنیانگذار مکتب شیکاگو با تأکید بر رابطه بین مهاجرت و بی‌سازمانی اجتماعی، جهان اجتماعی را به عنوان ترکیبی از گروه‌ها و افراد در حال

رقابت در وضعیت دائمی از سازگاری جدید و تعادل بی‌ثبات می‌بیند. به زعم وی، مهاجرت و تحرکات جمعیت، نظم اجتماعی را به هم می‌زند. زوال پیوندهای محلی و توانایی ضعیف گروه‌های اولیه مانند خانواده و محله برای اعمال مکانیسم‌های غیررسمی کنترل اجتماعی در محیط شهری، از عوامل مستقیم جرم، بزهکاری جوانان و فساد هستند (Caves, 2005: 504).

توماس و زنانیکی با مطالعه مهاجران لهستانی به موضوع رابطه بی‌سازمانی اجتماعی، مهاجرت و جرم پرداخته و نشان می‌دهند که در مرحله اول مهاجرت، افراد نسل اول با ازدست دادن ریشه اخلاقی و تکیه‌گاه‌های اجتماعی خود به شدت ضربه خورده و دچار بی‌ثباتی شده و به انحراف روی می‌آورند و سرانجام در فقر فرو می‌روند، در حالی که افراد نسل دوم با از میان رفتن اثرات بی‌ثباتی اخلاقی وارد عمل شده و گروه‌های جوان خرده فرهنگ‌های جوان را تشکیل می‌دهند (فکوهی، ۱۳۸۷: ۱۸۲).

از نظر توماس و زنانیکی بی‌سازمانی اجتماعی نشانگرشکاف میان قواعد و ایستارهاست که در آن افراد احساس نمی‌کنند که به وسیله قانون محدودند و برای عدم اطاعت از آن‌ها آزادند مانند درگیری و جرم (مارتینز و لی، ۲۰۰۹). مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی به معنای کاستن تاثیر قواعد اجتماعی موجود رفتار بر اعضای گروه است. این کاهش ممکن است از شکستن برخی قواعد تا فرسودگی عمومی همه نهادها باشد (توماس و زنانیکی، ۱۹۹۴).

ارنست برگس^۱ با طرح نظریه دواير متحدالمركز بر ناحیه گذار یا انتقالی به عنوان یک فضای بی‌سازمان می‌پردازد. وی شهر شیکاگو را به شکل دایره‌هایی می‌بیند که یکی پس از دیگری رشد کرده و توسعه می‌یابند. ناحیه گذار ناحیه‌ای است که پس از منطقه مرکز شهر شکل گرفته و دارای وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی است که این وضعیت زمینه ساز و تبیین‌گر جرم و جنایت در ناحیه گذار یا انتقالی است. در نظریه

1. Ernest.W.Burgess

برگس اساس شکل‌گیری شهر منطقه تجاری مرکزی^۱ (CBD) است که سایر حلقه‌ها به نوعی حاشیه^۲ نقطه مرکزی هستند. منطقه مرکزی با رشد شهر به مکانی با بالاترین قیمت‌های زمین مبتنی بر رقابت تبدیل می‌شود، در حالی که منطقه حاشیه‌ای شامل چهار منطقه شهری می‌شود: منطقه گذار^۳، منطقه منازل کارگران^۴، منطقه سکونتی^۵ و منطقه تردد و مسافرت^۶ (Rinberger, 2003: 8-9).

کلیفورد شاو و هنری مک کی^۷ نیز با استفاده از همین نظریه، شهر شیکاگو را به ۵ ناحیه تقسیم کردند. آنها میزان تبه‌کاری را برای هر یک از این نواحی بررسی کردند و با استفاده از آمار بزه‌کاران دریافتند که میزان بزه‌کاری به ترتیب از ناحیه ۱ که مرکز تجارت است به سمت ناحیه ۵ که در حاشیه شهر قرار دارد کاهش می‌یابد (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۵۲). شاو و مک کی، توجه خود را به شکل‌گیری دو قلمرو زیستی متمایز در حومه و مرکز شهر شیکاگو معطوف داشتند، که به ترتیب در منطقه مرفه و درگیر با فقر مفرط به حساب می‌آمدند، نتایج بررسی‌های آنان حاکی از آن بود که در طول هر دوره، هردو قلمرو مورد نظر آنان متحمل میزان بالایی از نقل و انتقالات جمعیتی بوده و گونه‌هایی متفاوت از ترکیب‌های قومی را در خود پذیرا شده‌اند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۳۲۳).

ناحیه فقیرنشین، محل تردد و جابجایی زیاد جمعیت است. به دودلیل:

۱. مهاجرانی که از روستا به شهر می‌آیند چون اغلب پول کافی ندارند و مخارج در ناحیه یک کم‌تر است معمولاً زندگی شهری خود را از این ناحیه آغاز می‌کنند.

-
1. central business district
 2. Surrounding
 3. in transition
 4. workingmen
 5. residential
 6. commuter
 7. Clifford shaw & Henery Mc Kay

بسیاری از مهاجران پس از تثبیت وضع خود به نواحی ثروتمند نقل مکان می‌کنند و جای خود را به افراد تازه وارد می‌دهند.

۲. دومین دلیل جابجایی جمعیت، گسترش مرکز تجاری در این ناحیه شهری است. هجوم به منطقه تجاری که قبلاً مناطق مسکونی بوده‌اند جابجایی جمعیت را دامن می‌زند (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۵۴).

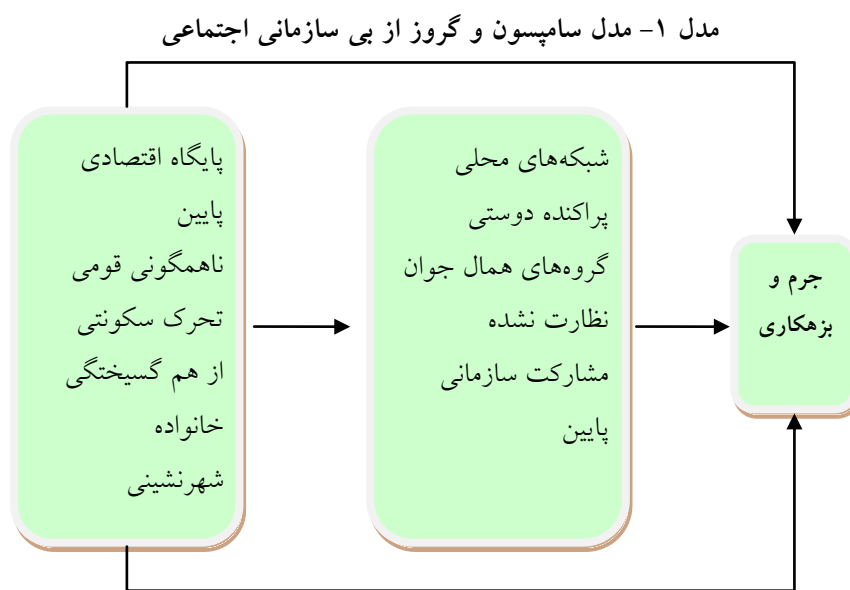
شاو و مک کی استدلال می‌کنند که این فرایند شهری دلیل تمرکز جنایت و بزهکاری در ناحیه انتقال جمعیت است. جابجایی زیاد جمعیت از شکل گرفتن جامعه باثبات جلوگیری می‌کند و به بی‌سازمانی اجتماعی منتهی می‌شود (همان: ۱۵۴).

علاوه بر این، به نظر شاو و مک محلات با ویژگی بی‌سازمانی و دارای میزان‌های بالای کجروی دارای ویژگی‌های دیگری نیز می‌باشند از جمله: رشد بالای جمعیت، درصد بالای خانواده‌های نیازمند ترمیم^۱، میزان پایین مالکیت خانه، میزان پایین اجاره بها و پرسه زنی^۲. از نظر شاو و مک بزهکاری با ساختار فیزیکی و سازمان اجتماعی شهر دارای رابطه است (کلوارد و اوهلین، ۱۹۶۰: ۲۸۵). به طور کلی در شکل کلاسیک از این مفهوم، شرایط بوم شناختی، شبکه‌های تعاملی را که ظرفیت تنظیم‌کنندگی محله را حفظ می‌کند، تخریب می‌کند که این حالت افزایش انحرافات اجتماعی را به دنبال دارد (Grated, 2009: 18).

برنالد لندر در پژوهش‌های خود در شهر بالتیمور از روش‌های مکتب شیکاگو استفاده کرد و معتقد است که بی‌سازمانی اجتماعی کلید تبیین انحرافات اجتماعی است. لندر نتیجه‌گیری می‌کند که جامعه بی‌ثبات به علت گسیختگی همبستگی اجتماعی، فرد را از فشار افکار عمومی و نظارت‌های اجتماعی غیررسمی که در گروه‌های منسجم تربری برقراری سازگاری یا هنجارهای متعارف عمل می‌کنند رها می‌سازد و زمینه کنش انحرافی را فراهم می‌آورد (ساروخانی، ۱۳۷۰ و ممتاز، ۱۳۸۱ صفوی، ۱۳۷۰ به نقل از ستوده، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

1. on relief
2. truancy

ردنی استارک^۱ پنج ویژگی ساختاری را مطرح می‌کند که وی بر اساس آن، ایده بی‌سازمانی اجتماعی را خلاصه می‌کند ۱- تراکم (افراد زیاد در یک ناحیه کوچک) ۲- فقر ۳- استفاده چندگانه^۲ (ترکیبی از سکونت، صنعت و خرده‌فروشی^۳) ۴- تحرک (افراد در حال حرکت به داخل و خارج محله) و ۵- خرابی^۴ (خرابی فیزیکی ساختمان‌ها). مانند جامعه‌شناسان اولیه شیکاگو، استارک معتقد است که ابعاد اساسی بی‌سازمانی اجتماعی، الگوهای سنتی زندگی اجتماعی را در هم می‌شکند. وی این شکست را به عنوان افول در نظم اخلاقی محله می‌بیند (Burfeind, and Bartusch, 2006: 473).



منبع: (Burfeind, and Bartusch, 2006: 481).

1. Redney Stark
2. mixed
3. retail
4. dilapidation

سامپسون^۱ و گروز یک مدل علی از بی‌سازمانی را ارائه داده‌اند که در آن، ساختار محله (پایگاه اقتصادی، همگونی قومی، تحرک سکونتی، از هم گسیختگی خانواده و شهرنشینی) بر سازمان اجتماعی (شبکه‌های دوستی، نظارت بر گروه‌های همالان جوان و مشارکت در سازمان‌های محلی) تأثیر دارد، از نظر آن‌ها سازمان‌های اجتماعی سطح جرم و بزهکاری را تعیین می‌کنند. از نظر سامپسون فقر، از هم گسیختگی خانواده و بی‌ثباتی مکانی، از جمله ویژگی‌های ساختاری هستند که مانع روابط میان همسایه‌ها می‌شوند و درگیری آن‌ها را در سازمان‌های محلی کاهش می‌دهند، به دلیل سرمایه اجتماعی پایین، این محلات قادر به اعمال کنترل‌های جمعی موثر در نواحی عمومی مانند خیابان‌ها و پارک‌ها نیستند (همان: ۴۸۲). سامپسون و همکاران مفهوم کارآمدی جمعی^۲ را در تکمیل نظریه بی‌سازمانی اجتماعی ارائه کرده‌اند (ویتو و دیگران، ۲۰۰۷: ۱۴۹). در نهایت می‌توان گفت که بی‌سازمانی اجتماعی به معنای شرایطی است که بر توانایی یک محله در شناخت ارزش‌های ساکنان و یا حل مسائل عمومی آن‌ها اثر می‌کند (Grated, 2009: 20).

رویکرد نظری تحقیق این است که محله هرندی (دروازه غار) با وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی مواجه است که این وضعیت می‌تواند در تبیین و بررسی چرایی وجود انواع انحرافات اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. از جمله نشانگرهای این وضعیت می‌توان به مواردی مانند تراکم و تحرک بالای جمعیت، فقر و پایگاه اقتصادی-اجتماعی آسیب‌زا، ناهمگونی ساکنان محله، فرسودگی ساختمان‌ها و از هم گسیختگی خانواده‌ها اشاره کرد.

1. Sampson

2. collective- efficacy

روش تحقیق

تحقیق حاضر یک تحقیق کیفی است که منطبق خاصی را برمی‌گزیند تا کیفیت، معنا، زمینه و یا تصور افراد را نسبت به موضوع خاصی بررسی کند. از این رو می‌توان روش کیفی مورد استفاده در این پژوهش را پدیدارشناختی نامید. روش پدیدار شناختی عبارت است از: فرایند ایجاد معنا برای تجربه از طریق گفتگو با افرادی که در ارتباط با آن موضوع تجارب خاصی را دارند. روش‌های کیفی روش‌های ارزشمندی هستند که می‌توانند در مورد پدیده‌های پیچیده توصیفات غنی را فراهم سازند و یا وقایع منحصر به فرد و یا غیرقابل انتظار را پیگیری نمایند. این روش‌ها می‌توانند تجربیات و تفسیرهایی که توسط کنشگران از وقایع انجام می‌گیرد را روشن سازند. به گفته مالترود: پژوهش کیفی یک روش سیستماتیک و ذهنی است که برای توصیف تجارب زندگی و درک معانی آن به اجرا در می‌آید. در این تحقیق روش برگزیده شده، مصاحبه‌های عمیق می‌باشد. به کارگیری این روش این امکان را برای محقق فراهم می‌سازد که از تجردگرایی نظریه‌ای به دنیای واقعی کشیده شود. هدف از انجام مصاحبه‌ها، بدست آوردن عقاید و واکنش‌های افراد مورد مطالعه نسبت به موضوع بوده است. مصاحبه‌های عمیق، غیرساخت یافته و انعطاف پذیر می‌باشند و می‌توان آن‌ها را به منزله کنش متقابل میان پرسشگر و پاسخگو دید که به محقق این فرصت را می‌دهد که واقعیت را با الفاظ پاسخگویان بیان نماید. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش افراد ساکن در محله شامل ساکنان محلی، افراد درگیر با آسیب‌های منتج از پژوهش و کارشناسان سازمان‌های مردم نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی و سازمان‌های دولتی می‌باشند. داده‌های این تحقیق براساس مصاحبه‌های عمیق با ۵۰ نفر صورت پذیرفته است. بخشی از این

افراد بصورت تصادفی در پارک‌ها و یا مکان‌های عمومی انتخاب شده‌اند (افراد ساکن در محله ۲۰ نفر، افراد درگیر با آسیب‌های اجتماعی منتج از پژوهش ۲۰ نفر) و بخشی دیگر که شامل کارشناسان دولتی و غیردولتی سازمان‌های محله می‌باشند (۱۰ نفر)، بصورت هدفمند انتخاب شده‌اند. پژوهشگر افرادی را که در زمینه خاص اطلاعات دارند تعیین و انتخاب کرد. فرایند گزینش نمونه‌ها ادامه پیدا می‌کند تا هنگامی که در جریان کسب اطلاعات هیچ داده جدیدی پدیدار نشود و به عبارتی داده‌های مورد نظر به اشباع برسند.

فرضیه تحقیق

این مقاله مدعی است که بی‌سازمانی اجتماعی مسائل و مشکلاتی را در عرصه ساختار محله‌هرندی فراهم آورده و شرایط بروز و شکل‌گیری انواع آسیب‌های اجتماعی را موجب شده است.

اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق، بررسی، توصیف و تفسیر درک افراد مورد مطالعه در ارتباط با موضوع پژوهش می‌باشد. مصاحبه‌های عمیق به قصد رسیدن به اهداف خاص زیر انجام شده است:

- شناخت وضعیت و ساختار محله‌هرندی
- شناخت مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی محله و تاثیر ساختار محله بر آسیب‌های موجود

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این مقاله شامل دو بخش است: در بخش اول توصیف ویژگی‌های محله هرنندی و منطقه واقع در آن (منطقه ۱۲) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و در بخش دوم آسیب‌های محله هرنندی مطالعه شده است.

ویژگی‌های محله و منطقه

محله هرنندی در ناحیه ۴ منطقه ۱۲ شهرداری تهران قرار دارد. این منطقه که یکی از قدیمی‌ترین و تاریخی‌ترین مناطق شهر تهران هم محسوب می‌شود، در مرکز تهران قرار گرفته است. این منطقه از جنوب به خیابان شوش، از شمال به خیابان مولوی، از شرق به خیابان ۱۷ شهریور و از غرب به خیابان وحدت اسلامی و حافظ محدود می‌شود. در واقع در قلب تهران واقع شده است. همچنین این منطقه با ۱۶۰۰ هکتار وسعت (۲/۳ درصد محدودده تهران) و ۲۷۰/۰۰۰ نفر جمعیت (۳/۷ درصد جمعیت کلانشهر) بیش از سه چهارم تهران ناصری (مرکز تاریخی تهران) را پوشش می‌دهد (مهندسان مشاور باوند، ۱۳۸۵).

از سوی دیگر بیش از ۲۷٪ سطح منطقه بیش از ۴۰۰ سال و ۷۳٪ از بافت بیش از ۲۰۰ سال قدمت دارد (همان). همین ارقام باعث شده است تا بیش از یک سوم از سطح منطقه فرسوده محسوب شود که همانطور که در ادامه توضیح خواهیم داد، به عنوان یکی از عوامل مهم شکل‌گیری آسیب‌ها و جرائم اجتماعی و در نتیجه شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع شهری شناسایی شده است. به عبارت دیگر داده‌ها در این رابطه نشان می‌دهد که مرکز تاریخی شهر تهران در معرض زوال و مخروبه‌گی روزافزون است. این مدعا به این دلیل مطرح می‌شود که فاصله وضع موجود تا رسیدن به یک وضع مطلوب بسیار زیاد برآورد شده است. برخی، این وضعیت را پیامد رویکرد مدرنیستی به شهر دانسته‌اند که همراه با توسعه امکانات و جابه‌جایی به حومه‌های شهری از طریق

مهاجرت‌های ساکنان قدیمی به سایر مناطق شهر تهران بروز یافته است و به متروک گذاردن مراکز قدیمی شهرها دامن زده است (رضایی‌راد، ۱۳۹۰).

این شکل از رهاسازی فضای شهری در این منطقه، به وضوح در پهنه بندی‌ها و امکانات شهری در این منطقه نمایان است. به عبارت دیگر، عدم توجه به کالبد فضایی شهری در این منطقه خود را در نابرابری‌های فضایی آشکار ساخته است. برای نمونه رشد جمعیت این منطقه از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۷۵ با متوسط ضریب رشد منفی ۲/۵ درصد در سال کاهش یافته است و از سال ۱۳۷۵ به بعد با متوسط رشد ۲/۸ درصد در سال افزایش داشته است (مهندسان مشاور باوند، ۱۳۸۵). این کاهش و افزایش جمعیت منطق خاصی دارد. به واقع پس از ویرانی فضای شهری در طول سه دهه اول، ساکنان اصلی این مناطق از محل سکونت خود کوچ کرده و عموماً در سایر مناطق مرفه‌تر شهر تهران ساکن شده‌اند و پس از آن، جمعیت‌های مهاجر و عمدتاً فقیرنشینان و افراد بی‌بضاعت و یا گروه‌های بزهکار و خلافکار، جایگزین آنها شدند. قیمت بسیار نازل ملک و املاک و اجاره‌های پایین آن نسبت به سایر مناطق همجوار، جاذبه اصلی مهاجرت این گروه‌ها بوده است (پروین و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰). بازارهای بزرگی در این منطقه وجود دارد که سهم بسیار بزرگ و قابل ملاحظه‌ای در معاملات شهر تهران و حتی کل کشور دارند. اما عمده این درآمدها از منطقه خارج شده و در خود منطقه سرمایه‌گذاری نمی‌شود. دلیل این امر، می‌تواند خروج ساکنان و بومیان این منطقه از محل سکونت خود و مهاجرت به سایر مناطق باشد. به همین دلیل، افراد بازاری و متمکن نیز تعلق چندانی به خود این منطقه احساس نمی‌کنند. نکته بسیار قابل توجه در مورد این منطقه این است که چنین وضعیتی باعث خروج و یا به تعبیر بهتر، فرار فعالیت‌های اداری در یک دهه گذشته از این منطقه شده است به طوری که بسیاری از مراکز اداری و ستادی بخش دولتی به خارج از این منطقه نقل مکان کرده‌اند. به عبارت دیگر، مراکز دولتی در عوض مقاومت در برابر آسیب‌های منطقه و بهبود وضع موجود در منطقه، به وخیم‌تر کردن وضعیت اجتماعی منطقه افزوده‌اند. خروج ادارات دولتی و

اغنيا از اين مناطق از دهه پيش آغاز شده است (همان). بعلاوه نتايج مطالعات نشان مي دهد كه محله هرندي امروزه با انواع آسيب هاي اجتماعي مانند: اعتياد، سرقت، ناامني، هم باشي، كودكان خياباني و كار، خودكشي و... روبروست (نك به پروين و ديگران، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۳).

پس از ذكر ويژگي هاي محله هرندي و منطقه واقع در آن (منطقه ۱۲) در ادامه به بررسي آسيب هاي اجتماعي محله پرداخته مي شود.

- سوء مصرف مواد

اين آسيب در محله هرندي، بسيار شايع و مشهود مي باشد، در واقع مهم ترين آسيب در اين محله اعتياد مي باشد كه زمينه انواع گوناگون آسيب هاي اجتماعي از جمله رفتارهاي پرخطر (تزريق و جنسي)، تن فروشي، هم خانگي با فرد سوء مصرف كننده، كودك آزاري و... را فراهم مي آورد.

يكي از مددكاران اجتماعي پايگاه خدمات اجتماعي در محله هرندي در اين رابطه مي گويد:

بيشتر مددجويان شناسايي و پذيرش شده توسط مددكاران پايگاه خدمات اجتماعي را، سوء مصرف كنندگان مواد تشكيل مي دهند. هرچند به دليل گذري بودن سوء مصرف كنندگان مواد در محله هرندي، نمي توان آمار دقيقي از اين گروه اعلام كرد، ولي تجربه فعاليت درگشت هاي روزانه پايگاه و مشاهدات ميداني مددكاران حاكي از آن است كه در هر گشت حدوداً ۱۰۰ نفر فرد سوء مصرف كننده مشاهده مي شود و هرروز افراد جديدي كه براي خريد يا مصرف مواد به اين محله مي آيند به اين تعداد افزوده مي شود. بنابر گزارش هاي مردم محلي تعداد افراد سوء مصرف كننده در شبها بسيار افزايش مي يابند.

مصرف دسته جمعي مواد كه بعضاً به ۴۰ نفر و حتي بيشتر هم مي رسد امري شايع محسوب مي شود. مشهود بودن سوء مصرف كنندگان مواد و از بين رفتن قبح

مصرف مواد در محله هرنندی بدین‌گونه است که در تمام محله از جمله معابر عمومی، خیابان‌ها، پارک‌ها، داخل کوچه‌ها و حتی کنار درب منازل مسکونی به راحتی به مصرف آن اقدام می‌کنند و در پی آن ناامنی‌های فراوانی را برای مردم محلی به وجود می‌آورند. همچنین با استناد به مشاهدات میدانی و بازدیدهای صورت گرفته، به راحتی می‌توان از چهره و رفتار ساکنان بسیاری از مردم محل، اعتیاد را تشخیص داد. این آسیب اجتماعی در میان تمام رده‌های سنی از کودکان گرفته تا نوجوانان و جوانان و زنان و مردان بزرگسال مشاهده می‌شود.

یکی از مردم محلی می‌گوید:

«داخل این محل همه جور آسیب هست، معتادا به راحتی همه جا مصرف می‌کنن. خیلی از مردم قدیمی محل به خاطر همین مشکلات گذاشتن رفتن، ماها اینجا هیچ‌گونه امنیتی نداریم. شب‌ها کسی جرات نداره بیاد بیرون، داخل کوچه‌ها، خیابونا و پارک‌ها همه جا پر از معتاده و امنیت رو از محل گرفتن»

یکی دیگر از آن‌ها معتقد است که:

«علاوه بر معتادایی که از تمام شهرهای ایران برای مصرف و خرید مواد به این محل می‌آیند بسیاری از خود ساکنان محل مصرف کننده هستن. خیلی از اونایی که یه مدتی وارد این محل میشن وقتی می‌بینن که به راحتی می‌شه به مواد و خیلی چیزای دیگه دسترسی پیدا کرد مدت زیادی همین جا اقامت می‌کنن».

- مسائل کودکان و زنان

در محله هرنندی خانواده‌هایی موسوم به "غربتی"، ("کولی یا جوکی" هم به آنها می‌گویند) وجود دارند که در این خانواده‌ها فرزندان زیادی متولد می‌شود و در بیشتر موارد کودکان و زنان این خانواده‌ها به کار گمارده می‌شوند. کار کردن کودکان و زنان بخشی از فرهنگ غالب غربتی‌ها را تشکیل می‌دهد و عموماً کودکان و زنان غربتی با فرهنگ کار و کار در خیابان شناخته می‌شوند. در واقع بخش عمده‌ای از کودکان کار و خیابان تهران را "غربتی‌ها" تشکیل می‌دهند. دختران و پسران غربتی از سنین پایین

(۵-۴ سالگی) کار کردن را شروع می‌کنند. در این باره باید گفت که در بسیاری موارد در واقع وظیفه اصلی تامین هزینه‌های روزمره زندگی بر عهده زنان و کودکان غربتی می‌باشد و مردان غربتی کمتر تعهدی در قبال خانواده دارند و این موضوع به نوعی در فرهنگ زندگی غربتی‌ها درونی شده است.

یکی از غربتی‌های محل می‌گوید:

«بچه‌ها از وقتی که به دنیا میان از همون اوایل بر دوش مادرشون و با سبک‌های "گنوبی" (گدایی) کردن آشنا می‌شن. چند سال بعد که بتونن راه برن، باید برن توی خیابونا شروع به کار کنن. این کار تا پایان عمر بچه‌ها همراهشونه. زنان غربتی الان همون بچه‌های چندسال پیشن که کار می‌کردن، الانم کار می‌کنن و باید تا ابد کار کنن. بچه‌ها و زنای غربتی خیلی بدبختن».

- یکی از مردم محلی در این باره می‌گوید:

«طبقه بالای منزلمان را یک غربتی اجاره کرده است. او سه تا زن دارد که هر کدام از آن‌ها بایستی روزانه مبلغ ۱۰۰ هزار تومان را برای مرد غربتی بیاورند. او معتقد است که زنان غربتی مبلغ مورد نظر را به هر شکلی بایستی تهیه نمایند و در تامین مبلغ مورد نظر به هر کاری از جمله تن فروشی می‌پردازند».

هم‌چنین به دلیل این که محله هرندی، محله‌ای فقیرنشین می‌باشد، این کودکان و زنان برای کار به مناطق بالای شهر رفته و به دستفروشی (گل فروشی، دستمال فروشی و فال فروشی) یا تکدی‌گری می‌پردازند. در این رابطه بایستی یادآوری شود که در بیشتر موارد، کودکان و زنان بدلیل آن که قابلیت تحریک عواطف و جلب ترحم سایر شهروندان را دارند به انجام این کار می‌پردازند و یا گمارده می‌شوند، که در واقع از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه هستند و در مواردی همین تکدی‌گری می‌تواند زمینه‌های

لازم برای ورود آن‌ها به دامنه دیگر آسیب‌های اجتماعی از جمله کودک‌آزاری، تن‌فروشی، بیماری‌های مقاربتی نظیر اچ‌آی‌وی/ایدز و... را فراهم آورد.

تکدی‌گری و کار کردن صرفاً به غربتی‌ها محدود نمی‌شود و بسیاری از کودکان افغان و خانواده‌های مهاجر از سایر نقاط ایران، به تکدی‌گری، فال‌فروشی، دستفروشی و... می‌پردازند.

کودک‌آزاری در ابعاد گوناگون شامل جسمی، جنسی، عاطفی، غفلت و ... در محله‌هرندی مصداق دارد. با توجه به این که بیشتر ساکنین محل از پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایینی برخوردارند و امکانات و مهارت‌های لازم برای برخورد صحیح با فرزندان خود را ندارند و از سویی دیگر بسیاری از خانواده‌ها با اعتیاد (به‌خصوص سوء مصرف شیشه) و آسیب‌ها و عوارض مرتبط با آن درگیر هستند که در تمام موارد زمینه‌های آسیب این کودکان را فراهم می‌کند و این کودکان آسیب دیده که بیشترشان مورد درمان‌های حمایتی قرار نمی‌گیرند روز به روز بر شدت آسیب‌پذیری آن‌ها افزوده می‌گردد و سیکل معیوب آسیب بازتولید می‌گردد.

تجربه فعالیت در محله‌هرندی بیانگر آن است که بخش زیادی از زنان محله با مسائل متعددی درگیر هستند و در ابعاد گوناگون جسمی، روانی و اجتماعی آسیب دیده‌اند. تعداد زیاد فرزندان و فاصله‌گذاری کم بین فرزندان، زایمان‌های غیر بهداشتی داخل منزل، نداشتن شناسنامه و صیغه‌های ثبت نشده، نداشتن حمایت‌های اجتماعی و عدم حمایت لازم از سوی مرد خانواده، نداشتن مهارت‌های لازم جهت اشتغال، زمینه‌های آسیب‌پذیری این زنان را از یک سو و کودکان متولد شده را از سوی دیگر فراهم می‌آورد. علاوه بر این مسائل، فرهنگ حاکم بر خانواده‌های غربتی و افغان که فرزندآوری زیاد نوعی محوریت محسوب می‌شود، آگاهی پایین زنان و مردان نسبت به اصول و روش‌های پیشگیری از بارداری زمینه‌های آسیب‌پذیری هرچه بیشتر آن‌ها را فراهم می‌آورد.

- تن فروشی

نزدیکی دروازه غار، به راه آهن و ترمینال جنوب که نقاط کلیدی ورود به کلانشهر تهران محسوب می‌شوند امکان جذب دختران و زنانی که منزل را ترک کرده و به تهران مهاجرت کرده‌اند را فراهم می‌آورد و بنا بر مصاحبه‌های صورت پذیرفته و پژوهش‌های قبلی انجام شده در این حوزه، این زنان و دختران در کمتر از ۲۴ ساعت توسط مشتریان جنسی شناسایی شده و مورد تجاوز قرار خواهند گرفت و در پس زمینه‌های آسیب هرچه بیشتر آن‌ها فراهم می‌شود.

علاوه بر این وجود خانه‌های مجردی، خانه‌های تیمی، نظارت‌های اجتماعی و انتظامی محدود، زمینه را برای حضور زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی در محل فراهم می‌کند.

بخشی از این زنان تن فروش، زنان معتادی هستند که برای بدست آوردن مواد و مصرف آن به روابط جنسی متعدد اشتغال دارند.

بخشی دیگر، زنان معتاد و یا غیر معتاد ولی فاقد هرگونه حمایت اجتماعی هستند که برای گذران معیشت خود به تن فروشی و رابطه با غیرهم جنس می‌پردازند.

با توجه به وجود خانه‌های تیمی و مجردی زیاد در محله هرنندی و این که بسیاری از زنان و دختران مرتبط با این گروه طلاق گرفته و یا به هر دلیلی منزل خویش را ترک کرده‌اند، خانواده حاضر به پذیرش آن‌ها نیست و در واقع فاقد هرگونه سرپناهی می‌باشند، زمینه مناسبی را برای حضور همزمان این زنان در کنار مردان فراهم می‌کند و به طور منطقی با چنین آسیبی همراه است.

مدیر و مددکار اجتماعی مرکز کاهش آسیب زنان در محله معتقد است:

«ماهیت و علل تن‌فروشی در این منطقه از تهران با سایر مناطق متفاوت است. بسیاری از این زنان حتی از تهیه یک وعده غذا، حمام رفتن، خریدن یک صابون و... عاجزند. در دروازه غار اگر در خوشبینانه‌ترین شرایط به زن تجاوز نشود و رضایت وی هم مطرح باشد نرخش فقط ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ تومان است و نرخ حمام ۲ هزار تومان!! این نرخ پایین تن‌فروشی و سهولت دسترسی به زنان تن‌فروش و وجود خانه‌های تیمی و نبود نظارت اجتماعی و انتظامی در این خصوص زمینه را برای حضور افراد تقاضا کننده رابطه جنسی (مشتریان جنسی) از سایر مناطق تهران (حتی مرفه نشین) فراهم می‌کند».

- هم‌خانگی (هم‌باشی)

این موضوع در واقع نوعی ازدواج غیررسمی می‌باشد که در میان زنان و مردان آسیب دیده محله هرنندی به کرات مشاهده شده است و توسط کارشناسان مراکز مرتبط با اعتیاد تأیید می‌شود.

مددکار اجتماعی پایگاه خدمات اجتماعی هرنندی معتقد است:

«در محله هرنندی هم‌باشی در بین زنان و مردان مصرف کننده و حتی افراد غیرسوء مصرف کننده رایج است. زنان تنها و فاقد همسر و خانواده زیادی به پایگاه مراجعه کرده‌اند و یا در گشت‌ها پذیرش شده‌اند که با مردانی عموماً مصرف کننده به شکلی غیررسمی زندگی می‌کنند. گاه یک زن سوءمصرف کننده در طول سال با چند مرد به شکل چند ماهه گذران می‌کند و برعکس».

در واقع وجود خانه‌های مجردی در محل، زنان و مردان رانده شده از خانواده، امکان شکل‌گیری این‌گونه زندگی اشتراکی را فراهم آورده است. زندگی اشتراکی به این

صورت برای هر کدام از طرفین کارکردهایی را دارد. نیاز زنان به یک سقف و حامی که آنان را در برابر دیگران و دیگر شرایط در امان نگه دارد و هزینه‌های مصرف مواد را برای آنان فراهم کند از یک سو و متقابلاً نیاز مردان به خدمات جنسی و آشپزی و یک همدم و در مواردی قابل توجه کسب درآمد از طریق زنان از سوی دیگر باعث استمرار این گونه زندگی اشتراکی شده است. در مواردی هم زنان و مردان در قالب صیغه به مدت زمانی معین با هم زندگی می‌کنند. این گونه زندگی اشتراکی آسیب‌هایی فراوانی را برای آنان به خصوص زنان فراهم می‌کند و زمینه‌های آسیب‌پذیری هرچه بیشتر آن‌ها را موجب می‌شود.

مصاحبه با مدیر و مددکار اجتماعی مرکز کاهش آسیب زنان در محله، آسیب‌های مرتبط با این گونه زندگی اشتراکی را بیان می‌کند:

«با توجه به سوء مصرف‌کننده بودن طرفین در این گونه زندگی اشتراکی احتمال بروز رفتارهای پرخطر زیاد است. در مواردی قابل توجه یکی از شرکای جنسی بیماری اچ آی وی / ایدز، هپاتیت و یا دیگر بیماری‌های مقاربتی را دارد و پس از برقراری رابطه جنسی محافظت نشده آن را به دیگری انتقال می‌دهد. چون که روابط جنسی متعدد با دیگران از سوی هر کدام از افراد مبتلا امری قابل پیش بینی است، بسیاری از بیماری‌ها را به دیگران انتقال می‌دهند. علاوه بر این، بارداری‌های ناخواسته، سقط جنین‌های غیربهداشتی و زیر زمینی، خشونت‌های جسمی و جنسی، فروش کودک، کودک آزاری، سرقت‌های مشترک، کیف قاپی و بسیاری از مسائل دیگر از آسیب‌های این سبک زندگی آسیب‌دیدگان اجتماعی می‌باشد و بیانگر آن است که این سبک زندگی اشتراکی تا چه اندازه می‌تواند زمینه‌های آسیب‌پذیری هرچه بیشتر آن‌ها را بخصوص برای زنان فراهم آورد».

- قماربازی

قمار در محله هرنندی در زمان‌های دور و نزدیک شکل‌های گوناگونی داشته است، از جمله تخته نرد، قوزک پای گوسفند، شرط بندی بر سر پلاک زوج و فرد ماشین‌ها و ... ولی هم‌اکنون آن شکل از قمار که در محله مرسوم می‌باشد، قمار با ابزار "تاس" می‌باشد که در اینجا به توضیح آن می‌پردازیم. در این شکل از قمار، بازی به صورت ۳ نفره است. علاوه بر دو نفری که دو طرف بازی هستند، یک نفر به عنوان "تلکه گیر" یا "کاسه کوزه" عضو این بازی است که هر شخصی برنده بازی باشد بایستی بابت هر ده هزار تومان مبلغ ۵۰۰ تومان را به تلکه گیر بدهد. در پایان قمار شخص تلکه گیر از تمام مبلغ جمع شده نیمی را برای خود و نیمی دیگر را بین دو طرف بازی تقسیم می‌کند.

قمار عموماً به صورتی دسته جمعی که گاهی تا ۷۰ نفر هم می‌رسد، انجام می‌شود. مکان‌های قماربازی در محله هرنندی به دو صورت می‌باشد: یکی سر چهارراه‌ها و داخل کوچه‌های محله و دیگری در داخل خانه‌های سازمان‌یافته قمار. مبالغی که در مکان‌های قماربازی رد و بدل می‌شود با هم تفاوت‌های اساسی دارد. در واقع در سر چهارراه‌ها و داخل کوچه‌های محل هرنندی بر سر مبالغ اندک قمار صورت می‌پذیرد (که این مبلغ از حداقل ده هزار تومان شروع و تا دویست هزار تومان در هر نوبت می‌تواند باشد) ولی در خانه‌های قمار که به گونه‌ای سازمان یافته اداره می‌شوند بر سر مبالغ بالا قمار می‌شود که به گفته خود قماربازها شبانه روز صدها میلیون تومان در این خانه‌های قمار بین قماربازان رد و بدل می‌شود. قماربازی به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی، سیستم زندگی قماربازان را از ابعاد گوناگون تحت تأثیر قرار داده و زمینه‌هایی را برای ورود این افراد به دامنه دیگر آسیب‌های اجتماعی فراهم و مشکلاتی را در زندگی آن‌ها به وجود می‌آورد. در ارتباط با این بخش از موضوع باید گفت که بحث علت و معلول مطرح است. یعنی این که از یک سو مسئله قمار می‌تواند علتی برای روی آوردن به دیگر آسیب‌های اجتماعی باشد و از سویی دیگر می‌تواند

معلول و مخلوقی از سوی دیگر آسیب‌های اجتماعی باشد. در این جا با استناد به تحلیل مصاحبه‌ها در ادامه به بررسی دیگر آسیب‌های اجتماعی مرتبط با قماربازی پرداخته می‌شود. اعتیاد و مصرف مواد مخدر و محرک، خرید و فروش مواد، خشونت، فحاشی و دعوای خیابانی، سرقت (از منزل شخصی و دیگران)، اختلال در وضعیت مالی فرد و خانواده (در مواردی از دست دادن کار)، اختلافات خانوادگی و جدایی از همسر، طرد اجتماعی و بی‌خانمانی از آسیب‌های مرتبط با قماربازی است. مصاحبه‌های انجام شده با قماربازان محله هرندی تأییدی بر یافته‌های بالا می‌باشد.

- وقتی قماربازها سر چهارراه‌ها یا داخل خونه‌های قمار جمع میشن، درینشون فروشنده‌های مواد هست. قمارباز وقتی می‌بازه افسرده و ناراحت میشه، پرخاشگره و به زمین و زمان فحش می‌ده. در داخل خونه‌های قمار همه انواع مواد هستش، مثل هروئین و شیشه. داخل این خونه‌ها وقتی قمارباز پولشو ببازه یا بیره بعد از بازی قمار میاد مواد مصرف می‌کن.

- خیلی از قماربازهایی که داخل این محل هستند شیشه مصرف می‌کنن، هرروز سر این چهارراه‌ها دعوا میشه، قماربازها خیلی به هم فحش میدن، بعضیا وقتی که می‌برن طرف مقابل پولشونو نمی‌ده و بینشون دعوا می‌شه و کار به کتک کاری و چاقو کشی می‌کشه.

- قمارباز وقتی می‌بازه هرروز با خانوادش دعوا داره، آنقد بهش فشار میاد که وسایل خونشم میاره می‌فروشه، ماشینمو فروختم، خونمو فروختم، زنم و بچه‌هام رو از دست دادم، الانم که می‌بینی وضعم چطوره، شدم یه معتاد کارتن خواب که روزو شبم معلوم نیست، بی‌خانمانم و از همه طرد شدم.

هم‌چنین افراد قمارباز با مسائلی نظیر فقدان مشارکت اجتماعی (عدم ارتباط با خانواده، همسایگان، خویشاوندان و هم‌چنین عدم عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های گوناگون)، فقدان حقوق اجتماعی (عدم رعایت حقوق در مراجعه به نهادها و

سازمان‌ها، عدم استفاده از خدمات عمومی دولت نظیر یارانه و بیمه) و عدم ادغام هنجاری (پای بند نبودن به هنجارهای تعریف شده اخلاقی و فرهنگی)، به عنوان ابعاد اصلی طرد اجتماعی درگیر هستند.

یکی از آن‌ها در این رابطه می‌گوید:

«آدم وقتی وارد قمار میشه باید قید خانواده و بقیه فک و فامیل رو بزنه چون دیگه کسی بهش اعتماد نداره، حتی وقتی برای یه کار اداری میریم جایی سر و وضعمون رو می‌بینن یا کارمونو دیر راه میندازن یا همه مردم یه جووری بهمون نگاه می‌کنن و اینا باعث میشه دیگه داخل اون اداره نریم. خود من یارانه و بیمه ندارم ولی تا حالا اقدامی نکردم هرچند که خیلی به مقدار پولی که از یارانه میدن احتیاج دارم».

- فضاهای بی‌دفاع شهری

فضاهای بی‌دفاع شهری در محله هرندی شامل کوچه‌های تنگ و تاریک دارای نور بسیار کم، ساختمان‌های مخروبه یا نیمه‌کاره، ساختمان‌های رها شده از یک سو و پارک‌ها به عنوان مهم‌ترین فضای بی‌دفاع شهری ازسویی دیگر، نقش بسیار مهمی در بروز انواع انحرافات و آسیب‌های اجتماعی در این محله دارند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که این فضاها مکان بسیار امنی برای حضور مصرف‌کنندگان مواد، فروشندگان مواد، زنان تن‌فروش، مشتریان جنسی، کودک‌آزاری و قماربازی را فراهم آورده است.

علاوه بر این بر طبق مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های انجام شده با مردم محلی بسیاری از خشونت‌ها و زورگیری‌ها در این فضاها روی می‌دهد و ناامنی‌های فراوانی را برای مردم محلی و دیگر افراد گذری در محله فراهم می‌آورد. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که احداث پارک‌ها و افزایش سرانه آن در منطقه، تخریب ساختمان‌های فرسوده (ولی رها شده) که در راستای نوسازی فیزیکی صورت پذیرفته است، نه تنها مشکلی را

حل نکرده است بلکه زمینه را برای بسیاری از انحرافات در محله موجب شده است. به گونه‌ای که امکان استفاده از پارک‌های با مساحت بالا برای ساکنان محل عملاً وجود ندارد. حضور درختان و شمشادهای فراوان در پارک‌ها و نبود روشنایی مناسب در پارک‌ها زمینه را برای آسیب‌زائی هرچه بیشتر این فضاها فراهم نموده است. مشاهدات میدانی انجام شده و مصاحبه با مردم ساکن در محله مباحث بالا را تایید می‌کند:

- ماها از پارک‌ها هیچ استفاده‌ای نداریم، این پارک‌ها مدت‌هاست که بدون استفاده موندن، چون امنیت ندارند، از بس معتاد و دزد داخل پارک‌ها هست که بچه‌ها و زنانی ما جرات حضور در پارک‌ها را ندارند.

- خیلی از ساختمان‌های محل که فرسوده بودن رو شهرداری خراب کرده ولی مدت‌هاست که رهاشده، معتادا داخل همین جاها به راحتی مواد مصرف می‌کنن. کوچه‌های این محل تنگ و تاریکه، شب‌ها کسی نمی‌تونه بیاد بیرون چون همه جور خلاف داره، دزدی، دعوا، چاقو کشی، مواد فروشی و خیلی مشکلات دیگه...
- مددکار اجتماعی پایگاه خدمات اجتماعی که گشت‌های کاهش آسیب روزانه در محله را دارد معتقد است که:

«داخل شمشادهای پارک‌ها را خالی کرده‌اند و مصرف‌کنندگان مواد به راحتی به مصرف مواد می‌پردازند و بسیاری از آن‌ها همان‌جا هم می‌خوابند. هم‌چنین این شمشادهای خالی شده مکان مناسب و امنی برای روابط جنسی بین معتادان و دیگر مشتریان جنسی و زنان تن فروش شده است.»

- خرید و فروش مواد

خرید و فروش مواد از دیگر مقولات تحقیق می‌باشد که از فرایند تحلیل مصاحبه‌ها بدست آمد. این موضوع مسئله‌ای بسیار شایع و نمایان در محله هرندی

می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در کنار مصرف انبوه مواد، وجود ساقیان و فروشندگان مواد امری طبیعی محسوب شده و این افراد به راحتی در پارک‌ها و کوچه‌ها و منازل محل اقدام به این کار می‌کنند.

بخش زیادی از افراد مرتبط با این طیف کسانی هستند که بی‌خانمان و یا فاقد هرگونه معیشت بوده و برای تهیه مواد مصرفی خود اقدام به این کار می‌کنند و سپس در مواردی زمینه ورود آن‌ها را به گروه‌های سازمان‌یافته فروش مواد فراهم آورده و آسیب‌پذیری هرچه بیشتر این افراد را به دنبال دارد.

مددکار اجتماعی پایگاه خدمات اجتماعی (فعال درحوزه کاهش آسیب) معتقد است که:

«در گشت‌هایی که هر روز در پارک‌ها و داخل کوچه‌ها داریم در کنار مصرف‌کنندگان مواد، فروشندگان مواد به راحتی و در منظر عموم اقدام به خرید و فروش مواد می‌کنند. آشپزخانه‌های خانگی تولید انواع مواد در محله وجود دارد و هر روز در این محله ماده شیشه و سایر مواد تولید می‌شود».

سهولت در دسترسی به مواد، هزینه پایین خرید مواد، نظارت‌های محدود رسمی و غیررسمی، همه و همه زمینه‌های تولید و خرید و فروش مواد در محل را فراهم می‌کند.

کودکان، زنان و مردان فاقد شناسنامه و برگه هویت

این موضوع مساله‌ای رایج در محله هرندی، خصوصاً مصرف‌کنندگان بی‌خانمان، و کودکانی که نتیجه ازدواج‌های ثبت نشده هستند، می‌باشد. که موجبات عدم دسترسی این قشر آسیب دیده به حمایت‌های قانونی و اجتماعی از جمله بیمه‌های تامین اجتماعی، یارانه، حق تحصیل، حقوق شهروندی و... را موجب می‌شود. این موضوع هم‌چنین در میان افراد مهاجر شامل افغان‌ها و به خصوص غربتی‌های محل مصداق دارد.

کولی‌ها غالباً شناسنامه ندارند، ازدواج خود را به شکل رسمی ثبت نمی‌کنند و برای کودکان خود نیز شناسنامه نمی‌گیرند. غیررسمی بودن ازدواج و برهم زدن آن، انجام ازدواج‌های متعدد را برای دختران و پسران کولی تسهیل می‌کند. احتمال دارد جا به جایی کولی‌ها میان تهران و دیگر شهرها مانعی بر سر راه ثبت رسمی ازدواج و گرفتن شناسنامه بوده باشد. همچنین بعضی‌ها، انزوای کولی‌ها و عدم اختلاط آن‌ها با جامعه را دلیلی برای تمایل نداشتن آنها به گرفتن اسناد هویت رسمی می‌دانند. در مواردی هم که تمایل به گرفتن شناسنامه برای کودک وجود دارد به دلیل ثبت نشدن ازدواج و نداشتن شناسنامه پدر و مادر، گرفتن شناسنامه برای کودک بسیار مشکل است.

از دید مطلعین محل، خانواده‌های کولی به زندگی آزاد و در لحظه شناخته می‌شوند و در چارچوب رایج زندگی مردم به سختی می‌گنجند.

یکی از غربتی‌های مصاحبه شونده می‌گوید:

«غربتی‌ها معمولاً ازدواجشونو ثبت نمی‌کنن. خیلی توی قیدوبند نیستن و اینجور چیزا براشون مهم نیست. صیغه چندساله می‌خونن و هر وقت که تموم شد، اگر دو طرف راضی باشن تمدیدش می‌کنن».

- بافت آسیب‌خیز و بی‌سازمان محله هرندی

بافت شهری فرسوده و غیربهداشتی از یکسو و ارزان بودن هزینه اسکان در محله هرندی از سوی دیگر بسترساز حضور و ترغیب گروه‌های گوناگون با تنوع‌های قومی، زبانی، فرهنگی و ... از جمله قماربازان، معتادان رانده شده از منزل، دختران و زنان فرار طرد شده و ... از مناطق گوناگون به این محل شده است. این افراد و خانواده‌ها در ابعاد گوناگون فقیرترین پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی را دارند و آسیب دیده اجتماعی محسوب می‌شوند. بیشتر افراد مصاحبه شونده، محدود بودن نظارت‌های مناسب اجتماعی و انتظامی و آسیب‌خیز بودن محل را عاملی اساسی در روی آوردن به قمار

می‌دانند. در واقع می‌توان گفت که به دلیل وجود انواع گوناگون آسیب‌های اجتماعی آشکار و پنهان و از بین رفتن قبح آسیب‌های اجتماعی در سطح محله‌هرندی امکان نظارت مستمر و همیشگی از سوی نیروهای رسمی نظیر پلیس از بین رفته و اجتماع محلی هم یا خودشان با آسیب‌های اجتماعی درگیر بوده و یا به نوعی حامی نداشته و چاره‌ای جزء این ندارند.

یکی از کارشناسان حوزه کاهش آسیب معتقد است که:

«به گفته بسیاری از افراد ساکن در محل، شهرداری پیشنهاد خرید خانه‌های آن‌ها را داده است ولی با قیمت بسیار پایین، به گونه‌ای که آن‌ها با هزینه پیشنهادی، امکان نقل مکان به جایی دیگر را ندارند. بسیاری از خانواده‌های محل از بی‌پناهی مانده‌اند.» در واقع محله‌هرندی با نوعی بی‌سازمانی اجتماعی و وضعیت عدم توفیق مقررات مواجه است و در این وضعیت مقرراتی وجود ندارد که تعیین کند چگونه باید رفتار نمود. قماربازی و دیگر جرایمی که در این محله وجود دارد، دست کم بخشی مربوط به این واقعیت است که مهاجران تازه وارد به این محل نمی‌توانند بلافاصله خود را با محیط‌های جدید و نسبتاً ناآشنا همساز کنند.

یکی از قماربازان در این رابطه می‌گوید:

«این جا از همون قدیم محله خرابی بوده، همه جور آسیب توش بوده و هست. این جا قماربازها به راحتی جمع می‌شن و قمار می‌کنن، نه مردم ونه پلیس باهاشون کاری ندارن، ولی جاهای دیگه تهران مثل ولیعصر کسی جرات نداره بیاد داخل خیابونا علنی قمارکنه. توی این محل هرج و مرج و بی‌نظمی خیلی وجود داره، انواع گوناگون آدم‌ها هستن که هرکسی کاری می‌کنه. دزدی، مواد فروشی، مصرف مواد و خیلی از مسائل دیگه. این محل صاحب نداره، کسی با کسی کار نداره و واسه همین که همین قماربازا به راحتی و بدون ترس میان قمار می‌کنن. پلیس میاد چند نفر و می‌بره و میره، همه رو پخش و پلا می‌کنه و یه ساعت بعد همه دوباره جمع می‌شن.»

با مشاهده فقر فیزیکی و اجتماعی حاکم بر محله هرنندی از جمله بافت کهنه و فرسوده، فضاهای بی دفاع شهری، ساختمان‌های نیمه کاره و یا در حال ریزش و رها شده، از بین رفتن قبح آسیب‌های اجتماعی و علنی بودن آن در سطح محله، عاملان جرائم این محل را مکان مناسبی برای پرداختن مطمئن و بدون ترس به اعمال انحرافی خود می‌دانند.

یکی از قماربازها معتقد است که:

«آدم تا وارد این محله می‌شه می‌تونه به راحتی تشخیص بده که مواد پیدا می‌شه، زن بدکار پیدا میشه و میشه هر کاری انجام داد و کسی هم بهت گیر نده. خیلی از ساختمان‌هاش دارن خراب میشن، داخل خیلی از ساختمان‌های این محل بیشتر از ۸-۷ اتاقک هستش که آدمای داخلش معمولاً مجردی زندگی می‌کنن و به راحتی با قیمت خیلی ارزون پیدا می‌شه. هر اتاقی هم بیشتر از ۴-۳ متر نیست. بعضی از قماربازا که سر همین چهارراه هرنندی قمار می‌کنن داخل این خونه‌ها زندگی می‌کنن و هر کدوم از یه جایی اومدن».

- زورگیری، خشونت، تخریب اموال عمومی و خصوصی و سرقت

هریک از این آسیب‌های اجتماعی در محله هرنندی مسائلی بسیار شایع و مشهود می‌باشند که تمام افراد مصاحبه شونده بر آن‌ها تاکید داشته‌اند. تجربه فعالیت در محله هرنندی و ارتباط با گروه‌های مردمی بیانگر آن است که بسیاری از سرقت‌ها و زد و خورد‌ها در محله هرنندی توسط سوءمصرف کنندگان مواد، افراد بی‌خانمان، قمارباز و ... انجام می‌شود. در شب‌ها حضور این افراد در کوچه‌ها و درب منازل بسیار بیشتر شده و ناامنی‌هایی را به وجود می‌آورد. موضوعی که بایستی مدنظر قرار بگیرد این است که بیشتر زنان و مردان سوءمصرف کننده محله هرنندی ماده محرک شیشه را به عنوان ماده مصرفی خود انتخاب می‌کنند و به دلیل تاثیرات سوئی که این ماده بر روی عملکرد مغز

انسان دارد، قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری عاقلانه را از بین برده و زمینه را برای بروز رفتارهای پرخطر (تزریق و جنسی) و رفتارهای بی‌محابا و خشونت افزایش می‌دهد.

مصاحبه با مردم ساکن در محل یافته‌های بالا را تأیید می‌کند:

- خیلی وقت‌ها داخل کوچه‌های محل دعوا و زورگیری می‌شه. مردم این محل هر کدومشون از شهری اومدن و همه‌جور فرهنگ داخلش هست. غربتی، لر، ترک و... گاهی بین این قومیت‌ها دعواهای دسته‌جمعی میشه و خیلیا زخمی می‌شن.

- زورگیری و دزدی خیلی اتفاق میفته کوچه و خیابونای این محل تنگ و تاریک و خیلی از خلافکارا داخل محل خونه‌های مجردی دارن و دسته‌جمعی همه جور خلاف می‌کنن.

یکی از کارشناسان فعال در حوزه کاهش آسیب معتقد است که:

«در محله هرنندی ساختمان‌های زیادی مختص قاچاقچیان و فروشنده‌های مواد و هم‌چنین فعالیت‌های سازمان یافته برای تن‌فروشی وجود دارد که به دوربین‌های مداربسته مجهز می‌باشند و آسیب‌های زیادی در این مکان‌ها روی می‌دهد. هم‌چنین بیشتر افراد مصرف‌کننده محل، شیشه مصرف می‌کنند و با توجه به پیامدهای آن بسیاری مواقع با خشونت‌های جسمی، جنسی و ... همراه است.»

نتیجه‌گیری

آنچه در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت، نگاهی از درون به موضوع بی‌سازمانی اجتماعی و تأثیر آن در بروز آسیب‌های اجتماعی با استناد به رویکردهای نظری، دیدگاه‌های تعدادی از ساکنان محل، کارشناسان سازمان‌های دولتی و مردم نهاد، افراد مرتبط با آسیب‌های منتج از پژوهش و تجربیات حضور در محله دروازه غار بود. در این تحقیق که به شکل کیفی انجام پذیرفته است، سعی بر آن بود که تا حد امکان مفروضات محقق در درک آنچه واقعیت محله هرنندی است انحراف ایجاد نکند. از این

رو آنچه از تحقیق استخراج شد تصویری واقعی از وضعیت محله هرنندی و آسیب‌های آن می‌باشد.

محله هرنندی از تاریخی‌ترین محلات و مناطق شهر تهران است که با وجود این سابقه و تاریخ طولانی، مسائل و آسیب‌های اجتماعی متعددی محله را فراگرفته است. از یک سوی این محله به مامنی برای مهاجران تاره وارد بدل شده که عمدتاً افراد آسیب دیده یا دست کم آسیب‌پذیرند، از سوی دیگر سرمایه‌های اجتماعی این محله در کمترین میزان خود است که سبب می‌شود تا نظارت‌های رسمی و غیررسمی اثرگذاری خود را از دست بدهند.

در مقاله حاضر نشان دادیم که میزان بی‌سازمانی اجتماعی در محله دروازه غار تهران به شکل بسیار نابهنجاری گسترش یافته است و این ویژگی باعث بروز و شکل‌گیری انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی در این محله شده است. نتایج تحقیق نشان داد که مهاجرت درون شهری و نمود آن در قالب بی‌سازمانی اجتماعی یکی از عوامل اساسی در عدم شکل‌گیری هویت محله‌ای و زوال یا تباهی شهری است و موید آن بروز آسیب‌های اجتماعی متعدد نظیر، تن فروشی، هم‌باشی زنان و مردان، قمارهای دسته جمعی، اعتیاد و... می‌باشد. محله دروازه غار به خوبی بیانگر این وضعیت نابهنجار و نابسامان است. حال با توجه به این مطالب می‌توان راهکارهای زیر را جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی ارائه داد:

- تقویت رویکردهای اجتماعی همگام با نوسازی فضای کالبدی بایستی مدنظر قرار بگیرد. درواقع مدت‌هاست که توجه صرف به نوسازی فضای فیزیکی محله، نظیر احداث پارک‌ها نه تنها مشکلی را حل نکرده است، بلکه دامنه آسیب‌ها را گسترش داده است.

- با توجه به مطالعه انجام شده، جهت برنامه‌ریزی مناسب و صحیح درباره آسیب‌های اجتماعی محله، نظارت‌های رسمی کفایت نکرده و در این راستا بایستی از نظارت‌های غیررسمی شامل جامعه محلی در برنامه‌ریزی‌ها استفاده شود.

- همکاری و هماهنگی بین‌بخشی مابین سازمان‌های برنامه‌ریز و سیاست‌گذار، برای داشتن یک برنامه مناسب و همه‌جانبه، تلاش برای اجرایی کردن آن، سپس پایش و ارزیابی و در نهایت بدست آوردن یک الگوی عملی کارآمد برای برخورد صحیح با مسائل و آسیب‌های اجتماعی محله.

- یکی دیگر از راهکارها که بیشتر در بعد کلان مطرح می‌باشد و نیازمند برنامه‌ریزی‌های بلندمدت است، کاستن مهاجرت‌های درون شهری به این محله است. جلوگیری از مهاجرت به تهران، مستلزم کاستن از جاذبه‌های مرکز و دافعه‌های مبدأ است.

- توسعه مراکز و فعالیت‌های مرتبط با موضوع کاهش آسیب در سطح محل. با توجه به شیوع اعتیاد، تن‌فروشی، روابط جنسی محافظت نشده و ... در محله هرنندی، لازم است که فعالیت‌های مرتبط با کاهش آسیب بخصوص برای گروه‌های هدف در دستور کار قرار بگیرد.

- توجه به سطوح گوناگون پیشگیری بویژه اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی بایستی در دستور کار سازمان‌های زیربسط قرار بگیرد. این توجه بایستی از سطح مدارس و حتی پایین‌تر از آن شروع و در محیط‌های دیگر ادامه یابد.

- باتوجه به این که بسیاری از قماربازان محله پرداختن به قماربازی را نوعی رفتار اعتیادگونه می‌دانند، می‌توان انجمن معتادان گمنام را در سطح محله هرنندی و حتی سراسر ایران که به گونه‌ای با دیگر رفتارهای اعتیادی مرتبط با قمار (قمار با اینترنت و...) درگیر هستند پایه‌ریزی نمود تا این که نسبت به این رفتار و آسیب‌های مرتبط با آن آگاهی بیشتری هم برای گروه هدف و هم برای دیگر افراد در معرض آسیب فراهم آید.

منابع

- پروین، ستار؛ کلانتری، عبدالحسین؛ صفری، محمدرحیم و مرادی، علیرضا. (۱۳۹۲)، مهاجرت درون شهری و امکان شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی محله دروازه غار)، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، معاونت اجتماعی، شماره ۳۵.
- داوری، محمد؛ سلیمی، علی. (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی کجروی*، نشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رضایی راد، محمد. (۱۳۹۰)، موجود فراپاشیده: کشکول ایده‌های نیمه‌خالی درباره تهران، *مجله حرفه و هنرمند*، دوره تجربه تهران.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۷)، *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نشر نی.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۶)، *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: آوای نور.
- مهندسان مشاورپاوند. (۱۳۸۵)، *طرح تفصیلی منطقه ۱۲ شهر تهران، تجدید ساختار مرکز تاریخی*، معاونت معماری و شهرسازی شهرداری تهران، سایت شهرداری Tehran.ir/
- نقدی، اسدالله. (۱۳۹۲)، *حاشیه‌نشینی (تئوری‌ها - روش‌ها و مطالعات موردی)*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- Burfeind, W, James and Dawn Bartusch. (2006). *juvenile delinquency: an integrated approach*, Janes and Bartlett publishers
- Caves W. Roger et al. (2005). *Encyclopedia of the City*. Published by Routledge
- Cloward. R. A & L. Ohlin. (1960). *delinquency and opportunity*, new yourk: the free press

- Grattet, Ryken. (2009). *the Urban Ecology of Bias Crime: A Study of Disorganized and Defended Neighborhoods*. Social Problems, Vol. 56, Issue
- Martinez, Ramiro & T, Lee. (2009). *on immigration and crime from crime and criminal: contemporary and classic reading in criminology* edited by Frank scarpitti ET al.oxford university press.
- Rhineberger, M, Gayle. (2003). *Social disorganization, dieorder, social cohesion, informal control: a reformation and test of systemic social disorganization theory*. western Michigan university, doctoral dissertation
- Thomas,W and F,Zenaniecki. (1994). *the concept of social disorganisation, from theories of deviance edited by Stuart*. H.traub and Craig Little, peacockpublishers,INC.
- Walker, T, Jeffery. (1994). *human ecology and social disorganization, from varieties of criminology: reading from a dynamic discripline*, edited by G, Barak praeger publishers
- Vito Gennaro, Jeffrey, Maahs and Ronald M. Holmes. (2007). *Criminology Theory, Research, and Policy*. Jones & Bartlett Learning